



سرشناسه : ابن بابویه، محمد بن علی، ۳۱۱-۳۱۸ ق.
 عنوان و نام پدیدآور : رسائل شیخ صدوق : اعتقادات، فضائل شیعه، صفات شیعه،
 مصادق الاخوان، مواعظ، فضائل الاشرار، ترجمه حمید شیخی
 مشخصات نشر : ارمغان طوبی، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۶۴۰ ص
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۶۳-۵۰۰-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه : ص ۳۴ - ۳۹ : همچنین به صورت ریونویس
 موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۴ ق.
 موضوع : شیعه امامیه -- عقاید
 موضوع : احادیث اخلاقی -- قرن ۴ ق.
 شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ ... مترجم
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ ر ۵ الف ۱۱/۳/۱۱
 رده بندی دیوبی : ۲۹۷/۴۱۷۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۳۶۲۳۲

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق (ره)

رسائل شیخ صدوق

الاعتقادات، فضائل الشیعه، صفات الشیعه،
 مصادقه الاخوان، مواعظ، فضائل الاشرار الثلاثة
 ترجمه : حمیدرضا شیخی



ناشر : انتشارات ارمغان طوبی
 مقدمه : احمدی جلفایی
 حروفچینی : سهیلا گرنه زاده
 ناظر چاپ : علی حاجی تقی
 نوبت چاپ : اول ۱۳۹۳
 شمارگان : ۱۰۰۰ جلد
 قیمت ۲۷۰۰۰ تومان
 چاپخانه : بعثت

© کلیه حقوق محفوظ و مربوط به انتشارات ارمغان طوبی می باشد..

Gmail:armaghantooba@gmail.com

فهرست مطالب

۹	● مقدمه
۹	□ ولادت صدوق
۹	□ خاندان صدوق
۱۱	□ مشایخ، اساتید و شاگردان صدوق
۱۲	□ مسافرت‌های علمی شیخ صدوق
۱۴	□ آوازه علم و فضل شیخ صدوق
۱۵	□ نوشته‌های شیخ صدوق
۱۷	□ وصف صدوق از زبان برخی گوهرشناسان
۱۸	□ وفات و مدفن شیخ صدوق
۱۹	○ رساله‌های شیخ صدوق
۱۹	□ ۱. الاعتقادات
۲۰	نام اثر
۲۲	نسخه‌های کتاب
۲۳	چاپ‌های سنگی
۲۳	چاپ‌های حروفی
۲۳	ترجمه‌های مهم
۲۴	شرح‌ها یا نقدهای مهم نگاشته شده
۲۵	سند کتاب
۲۶	محتوای کتاب و اعتبار احادیث آن
۲۷	برخی اندیشه‌های مهم صدوق در این کتاب
۲۸	□ ۲. فضائل الشیعه
۲۹	محتوای کتاب
۲۹	نام کتاب
۳۱	طرق مؤلف در کتاب
۳۲	نسخه‌های خطی
۳۲	چاپ‌های موجود از این اثر
۳۳	□ ۳. صفات الشیعه
۳۳	نسخه‌های خطی
۳۴	چاپ‌های موجود
۳۴	نام کتاب
۳۵	طریق‌های مؤلف و راویان احادیث
۳۵	□ ۴. مصادقة الإخوان
۳۶	نسخه‌های خطی کتاب



۳۷	چاپ‌های صورت گرفته از کتاب
۳۸	محتوای کتاب مصادقه
۳۹	تحقیقی پیرامون نام کتاب
۴۱	تحقیق در انتساب اثر به شیخ صدوق *
۴۷	۵. المواعظ □
۴۸	نام دقیق کتاب
۴۹	تنها نسخه خطی کتاب
۴۹	چاپ‌های صورت گرفته از کتاب
۵۰	۶ فضائل الأشهر الثلاثة □
۵۱	هیكله کتاب
۵۳	نسخه‌های کتاب
۵۴	چاپ‌های صورت گرفته
۵۴	سخنی در علت کمیابی نسخه‌های خطی برخی آثار شیعه □
۵۹	● الاعتقادات
۶۱	کتاب اعتقادات شیخ صدوق *
۶۱	بابی درباره‌ی اعتقاد امامیه در توحید □
۶۷	باب اعتقاد درباره‌ی صفات ذات و صفات افعال □
۶۷	باب اعتقاد درباره‌ی تکلیف □
۶۹	باب اعتقاد درباره‌ی افعال بندگان □
۶۹	باب اعتقاد درباره‌ی جبر و تفویض □
۶۹	باب اعتقاد درباره‌ی اراده و مشیت □
۷۳	باب اعتقاد درباره‌ی قضا و قدر □
۷۷	باب اعتقاد درباره‌ی فطرت و هدایت □
۷۹	باب اعتقاد درباره‌ی استطاعت □
۸۱	باب اعتقاد درباره‌ی بناء □
۸۳	باب اعتقاد درباره‌ی خودداری از جدل و ستیزه کردن □
۸۳	درباره‌ی خدای عزوجل و دین او □
۸۵	باب اعتقاد درباره‌ی لوح و قلم □
۸۵	باب اعتقاد درباره‌ی کرسی □
۸۷	باب اعتقاد درباره‌ی عرش □
۸۹	باب اعتقاد درباره‌ی نفوس و ارواح □
۹۳	باب اعتقاد درباره‌ی مرگ □
۱۰۱	باب اعتقاد درباره‌ی سؤال قبر □
۱۰۵	باب اعتقاد درباره‌ی رجعت □
۱۰۹	باب اعتقاد درباره‌ی زنده شدن پس از مرگ □
۱۰۹	باب اعتقاد درباره‌ی حوض [کوثر] □
۱۱۱	باب اعتقاد درباره‌ی شفاعت □
۱۱۱	باب اعتقاد درباره‌ی وعده و وعید [خداوند] □
۱۱۳	باب اعتقاد درباره‌ی آنچه برای بنده نوشته می‌شود □
۱۱۳	باب اعتقاد درباره‌ی عادل بودن خدا □
۱۱۵	باب اعتقاد درباره‌ی اعراف □
۱۱۵	باب اعتقاد درباره‌ی صراط □
۱۱۷	باب اعتقاد درباره‌ی گردنه‌هایی که در راه محشر وجود دارد □



۱۱۹	باب اعتقاد درباره‌ی حسابرسی و ترازو
۱۲۱	باب اعتقاد درباره‌ی بهشت و دوزخ
۱۲۷	باب اعتقاد درباره‌ی چگونگی فرود آمدن وحی از نزد خداوند و کتاب‌ها در امر و نهی
۱۲۷	باب اعتقاد درباره‌ی فرود آمدن قرآن در شب قدر
۱۲۷	باب اعتقاد درباره‌ی قرآن
۱۲۹	باب اعتقاد درباره‌ی اندازه و مقدار قرآن
۱۳۳	باب اعتقاد درباره‌ی پیامبران و رسولان و حجّت‌ها علیهم‌السلام
۱۳۷	باب اعتقاد درباره‌ی شمار پیامبران و اوصیا علیهم‌السلام
۱۴۱	باب اعتقاد درباره‌ی عصمت
۱۴۳	باب اعتقاد درباره‌ی غلو و تفویض
۱۴۷	باب اعتقاد درباره‌ی ستمگران
۱۵۳	باب اعتقاد درباره‌ی تقیّه
۱۵۹	باب اعتقاد درباره‌ی پدران پیامبر علیهم‌السلام
۱۵۹	باب اعتقاد درباره‌ی علویان
۱۶۳	باب اعتقاد درباره‌ی اخبار مفسر [مُبین] و مجمل
۱۶۳	باب اعتقاد درباره‌ی منع و اباحه
۱۶۳	باب اعتقاد درباره‌ی اخبار رسیده در مورد طب
۱۶۵	باب اعتقاد درباره‌ی دو حدیث ناهمساز

۱۸۱	● فضائل الشیعه
۲۳۳	● صفات الشیعه
۲۹۱	● مصادقة الإخوان
۲۹۳	باب اقسام برادران و دوستان
۲۹۳	باب شرایط برادری
۲۹۵	باب مهربانی با برادران
۲۹۵	باب برگزیدن برادران
۲۹۵	باب گرد آمدن برادران و گفتگو با یکدیگر
۲۹۹	باب همیاری برادران
۳۰۱	باب حقوق برادران بر یکدیگر
۳۰۵	باب برادر آینده‌ی برادر خویش است
۳۰۵	باب غذا دادن به برادران
۳۰۷	باب لقمه کردن برای برادران
۳۰۹	باب سودمند بودن برادران
۳۰۹	باب گرفتن دوست و برادر
۳۰۹	باب مؤمن، برادر مؤمن است
۳۱۱	باب سود رساندن برادران به یکدیگر
۳۱۱	باب قهر کردن با برادران
۳۱۱	باب احساس تنهایی کردن برادران از فراق یکدیگر
۳۱۱	باب دوست داشتن برادران
۳۱۳	باب ثواب لبخند زدن به روی برادران
۳۱۵	باب ثواب برآوردن نیازهای برادران
۳۱۷	باب نهی از نیازخواهی از برادران
۳۱۷	باب دیدار از برادران
۳۲۱	باب عنایت به برادران



۳۲۱	باب دست دادن با برادران	□
۳۲۱	باب شادی رساندن به مؤمن	□
۳۲۵	باب بخل ورزیدن از برادران	□
۳۲۵	باب شکایت بردن نزد برادران	□
۳۲۵	باب پاداش کسی که برادرش را شاد کند	□
۳۲۷	باب برخورد بد با برادران	□
۳۲۷	باب نیکی کردن به برادران	□
۳۲۹	باب قدم برداشتن برای رفع نیازهای برادران	□
۳۳۳	باب پاداش کسی که تقاضای برادرش را برای فسخ معامله بپذیرد	□
۳۳۳	باب آزمودن برادران	□
۳۳۳	باب اعتماد به برادران	□
۳۳۳	باب راستی برادری	□
۳۳۵	باب جدی نبودن در تلاش برای رفع حاجت برادران	□
۳۳۵	باب خوار شمردن برادران	□
۳۳۵	باب کسی که برادرش را تدهین کند	□
۳۳۷	باب دوست داشتن برادران	□
۳۳۷	باب بدگویی از برادران	□
۳۳۷	باب دعا کردن برای برادران	□
۳۳۹	باب لطف و محبت کردن به برادران	□
۳۳۹	باب پوشاندن برادران	□
۳۳۹	باب کسانی که باید از دوستی با آنها دوری کرد	□
۳۴۱	نوادیر	○

● المواعظ

۳۴۵	اندرزهای پیامبر خدا ﷺ به امیرمؤمنان	□
۳۴۷	[از اندرزهای کوتاه پیامبر خدا ﷺ]	□
۳۸۱	[امام علی و پیرمرد شامی]	□
۳۸۷	[سفارش امیرالمؤمنین به پسرش محمد بن حنفیه]	□
۳۹۵	[اندرزها و پندهای امام صادق]	□
۴۰۵	[از سفارشهای پیامبر خدا ﷺ]	□
۴۱۱	[از سفارشهای امام صادق]	□
۴۱۷	[از سفارشهای امام باقر]	□
۴۲۷	[از اندرزها و پندهای امامان]	□

● فضائل الأشهر الثلاثة

۴۵۳	کتاب فضیلت‌های ماه رجب	□
۴۵۵	حدیث ام داوود و عمل او	□
۴۷۳	کتاب فضیلت‌های ماه شعبان	□
۴۸۳	کتاب فضیلت‌های ماه رمضان	□
۵۱۱	خبر نماز خواندن در آخرین شب ماه رمضان	□
۵۹۳	خبر بدرود با ماه رمضان	□
۵۹۷		



مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق و ابن بابویه، از دانشمندان، محدثان و فقیهان بسیار نامی امامیه است که در لسان محققان، از او و از پدر فرزانه‌اش به عنوان «صدوقان» یا «ابنا بابویه» یا در مواردی «فقیهان» نام برده می‌شود.

❧ ولادت صدوق

تاریخ ولادت شیخ صدوق علیه السلام مورد اختلاف است؛ مطابق برخی گفته‌ها او در حدود سال ۳۲۰ ق در قم به دنیا آمده؛ اما با توجه به قرائنی که در نقل‌های محدثان از وی و نیز برخی نوشته‌های خود او نهفته است، چنین برداشت می‌شود که او پس از وفات محمد بن عثمان سمري علیه السلام و در اوایل نیابت ابوالقاسم حسین بن روح علیه السلام - که مصادف با سال ۳۰۵ ق بوده - متولد شده است. از این رو، گمان بر این است که ولادت او در فاصله میان سال‌های (۳۰۵ تا ۳۱۱ ق) اتفاق افتاده باشد.^۱

❧ خاندان صدوق

خاندان او در مراتب فضل و دانش و کمال، معروف و از دیرباز مورد تصدیق و تأیید خواص و عوام بوده است.

پدرش ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، در زمان خود، شیخ قمی‌ها و بزرگ و فقیه آن‌ها و مورد وثوق همگان بوده و در زهد و پارسایی و فضائل اخلاقی،



شهرت ویژه‌ای داشته است. او از جمله کسانی بوده که مورد عنایت حضرت امام حسن عسکری بوده و به همان خاطر، با ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی - که از نائبان خاصه امام عصر علیه السلام بود - ارتباط نزدیکی داشته است. عظمت و ویژه او در ضمن نامه‌ای که امام عسکری علیه السلام به او نوشته و در آن، او را به تولّد فرزندش صدوق، وعده فرموده، کاملاً نمودار است. متن این نامه مبارک، چنین گزارش شده است: «یا شیخی و معتمدی و فقیهی أبا الحسن علی بن الحسین، وفّقک الله لمرضاة، و جعل من صلیک أولاداً صالحین برحمته»^۱.

و در روایت مشابه دیگری، شیخ صدوق به همراه برادرش حسین بن علی، هر دو از برکت دعای حضرت حجّت، متولّد شده‌اند؛ و ماجرای این ولادت را شیخ طوسی در کتاب غیث^۲، بیان نموده است.

عموم راوی شناسان و ترجمه‌نگاران، پدر شیخ صدوق را به عظمت ستوده و او را فقیه جلیل و ثقة دانسته‌اند و کتاب‌هایی را برای او برشمرده‌اند که برخی از آن‌ها هم اکنون، در دسترس هستند. وی در سال ۳۲۹ ق - سالی که معروف به «تناثر نجوم» بود - دار فانی را وداع گفت.^۳

از دیگر معاریف خاندان صدوق، می‌توان به عناوین زیر اشاره نمود، که هر یک از آن‌ها در زمان خود، همچون ستاره‌هایی در آسمان فضل و کمال، می‌درخشیدند:

۱. برادر صدوق ابو عبد الله حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی.^۴
۲. حسین بن حسن بن محمد بن موسی بن بابویه، فقیه و عالم و محدّث ثقة.^۵
۳. محمد بن حسن بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، راوی از عمویش صدوق.^۶
۴. حسن بن حسین بن علی بن حسین بن بابویه، مکتّبا به ابوالقاسم، راوی از عمویش صدوق و نیز از برخی مشایخ صدوق همچون محمد بن حسن بن ولید.^۷

۱. مجالس المؤمنین (چاپ اسلامیّه، ۱۳۵۴ ش)، ج ۱، ص ۴۳۵.

۲. الغیة، ص ۱۸۸.

۳. نک: رجال نجاشی، ص ۲۶۱، ش ۶۸۴؛ الفهرست طوسی، ص ۹۳، ش ۳۸۲.

۴. نک: رجال نجاشی، ص ۶۸، ش ۱۶۳؛ رجال طوسی، ص ۴۶۶، ش ۲۸.

۵. نک: رجال طوسی، ص ۴۶۹. ۶. نک: الفهرست طوسی، ص ۵۱.

۷. نک: الفهرست منتجب الدین، ص ۴۴؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷۰.

۵. حسین بن حسن بن حسین بن علی بن بابویه، مکنّا به ابو عبد الله و ملقب به «الشیخ الرئيس» از بزرگان فقهای امامیه، راوی از صدوق.^۱
۶. ابو جعفر محمد بن حسن بن حسین بن علی بن بابویه، راوی از عمویش صدوق.^۲
۷. شیخ ابوالمعالی سعد بن حسن بن حسین بن بابویه، فقیه، صالح، ثقه.^۳
۸. عبد الله بن حسن بن حسین بن بابویه، از شاگردان سلار بن عبد العزیز.^۴
۹. ابوالمفاخر هبة الله بن حسن بن حسین بن بابویه، فقیه، صالح.^۵
۱۰. الحسن بن حسین بن علی بن بابویه، فقیه ثقه، و قرائت کننده بر سلار و ابن براج و... و صاحب کتاب های متعدد در فقه.^۶
۱۱. سعد بن محمد بن حسن بن حسین بن بابویه، راوی از پدرش محمد بن حسن.^۷
۱۲. ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد بن حسن بن حسین بن بابویه، ثقه.^۸
۱۳. ابو الحسن علی بن محمد بن حسن بن حسین بن بابویه، ملقب به نجم الدین، فقیه فاضل.^۹
۱۴. ابوطالب اسحاق بن محمد بن حسن بن حسین بن بابویه، ثقه.^{۱۰}
۱۵. بابویه بن سعد بن محمد بن حسن بن حسین بن بابویه، فقیه صالح، صاحب کتاب.^{۱۱}
۱۶. موفق الدین ابوالقاسم عبید الله بن حسن بن حسین بن حسن بن حسین بن بابویه قمی، پدر شیخ منتجب الدین.^{۱۲}
۱۷. منتجب الدین علی بن عبید الله بن حسن بن حسین بن حسن بن حسین بن بابویه، صاحب کتاب فهرست، فاضل عالم ثقه محدث.^{۱۳}

◀ مشایخ، اساتید و شاگردان صدوق علیه السلام

مترجمان و محققان، تعداد اساتید و مشایخ صدوق را از لابه لای کتاب های رجال و

۱. نک: الفهرست منتجب الدین، ص ۴۴، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۱۰.
۲. نک: بشارة المصطفی، ص ۷ و ۹ و ۱۲ و ۱۹، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۸۶.
۳. نک: الفهرست منتجب الدین، ص ۹۰.
۴. نک: تنفیح المقال، ج ۲، ص ۴۲.
۵. نک: الفهرست منتجب الدین، ص ۱۹۷.
۶. نک: الفهرست منتجب الدین، ص ۴۶.
۷. نک: شرح الدراری، ص ۱۲۵.
۸. نک: الفهرست منتجب الدین، ص ۹، ش ۳.
۹. همان، ص ۳۵.
۱۰. همان، ص ۹، ش ۴.
۱۱. همان، ص ۲۸؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۲.
۱۲. همان، ص ۱۱۱.
۱۳. نک: امل الآمل، ج ۲، ص ۱۹۴.

تراجم و نیز از اسانید کتاب‌های حدیثی مرتبط، استخراج نموده و تعداد آن را به ۲۰۸ نفر رسانیده‌اند، که ذکر نام‌های آن‌ها، از مجال این نوشته کوتاه، خارج است.

نیز تعداد شاگردان و کسانی که از وی روایت کرده‌اند، بسیار است؛ و در این خصوص، مخاطبان گرامی، به کتاب‌های مندرج در این زمینه، مراجعه نمایند.

اما در میان همه مشایخ صدوق علیه السلام، پدرش علی بن حسین بابویه و ابن الولید، از موقعیت بسیار ویژه‌ای برخوردار هستند و می‌توان گفت که: این دو بزرگوار، در شکل‌گیری شخصیت و مکتب حدیثی صدوق، تأثیر بسیار ویژه‌ای داشته‌اند.

در میان شاگردان وی نیز، شهرت و آوازه بزرگانی همچون: شیخ مفید، سید مرتضی علم‌الهدی، حسین بن غضائری، برادرش حسین بن علی، هارون بن موسی و... افزون است و توصیف عظمتشان، مقامی موسع تر می‌طلبد.

◀ مسافرت‌های علمی شیخ صدوق علیه السلام

او تحصیلات ابتدایی خود را در قم آغاز نمود و سپس در بین سال‌های (۳۳۹-۳۴۷ ق) در ری به تکمیل دانش خود همت گماشت. بنابر گفته‌ای که خودش در کتاب امالی آورده، در سال ۳۴۷ ق در آن‌جا از محمد بن احمد بن علی بن اسد اسدی، روایت کرده است.^۱

سپس گویا دور جدید سفرهای علمی خود را از سال ۳۵۲ ق آغاز نموده و به بلاد مختلف اسلامی مسافرت نموده است. به گفته خودش، هدف اصلی او در این مسافرت‌ها، تکمیل اندوخته‌های حدیثی و علمی خود از اساتید بنام و نیز نشر آثار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در بلاد مختلف بوده است.^۲

او به جهت ملاقات خود با سایر رجال حدیث که در شهرهای خراسان می‌زیسته‌اند، به مراکز مختلفی همچون: نیشابور، طوس، سرخس، مرو، بخارا و فرغانه، سفر نموده و در ضمن این مسافرت‌ها با رجال معروفی همچون عبد الواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری، ابو علی حسین بن احمد بیهقی، ابو طیب حسین بن احمد رازی و... دیدار کرده و از آن‌ها استماع حدیث نموده است.

نیز وجود برخی روایات مخالفان در آثار صدوق علیه السلام حکایت از ارتباط او با عالمان و

محدثان معروف اهل سنت در مناطق مختلف خراسان، ماوراء النهر، بلخ، نیشابور و مانند آن دارد؛ و به نظر می‌رسد او توانسته در این سفرها، به هدف خود، دست بیابد.

در سال ۳۵۲ ق ماه رجب، ابتدا به قصد زیارت امام رضا (ع) به مشهد رضوی مسافرت کرده و در میانه راه به نیشابور رفت که گویا این سفر، در ماه شعبان همان سال، بوده است.^۱ سپس در همان سال به جانب عراق رفته، و در اواخر آن سال، در بغداد (مدینه السلام) بوده است.^۲

در اواخر سال ۳۵۳ ق به حج خانه خدا مشرف شد و به هنگام بازگشت از حج در اوایل سال ۳۵۴ ق در «قید» مقیم شد. او در آن‌جا نیز احادیثی را شنیده و در آثارش ثبت نموده است.^۳ سپس وارد کوفه شده و از علمای آن دیار نیز احادیثی را شنیده است.^۴

او به هنگام بازگشت از کوفه به سمت دیار خود، در همان سال، در همدان نیز، توقف نموده است.^۵ بعد از آن، همان‌گونه که نجاشی در رجال خود، آورده، او در سال ۳۵۵ ق وارد بغداد شده و با این‌که سن او کم بود، شیوخ طوایف آن دیار، از وی حدیث شنیده‌اند.^۶

سپس در شوال سال ۳۶۷ ق دوباره به سمت مشهد مقدس رضوی، عزم سفر نمود و گویا ۲۴ مجلس از مجالس کتاب امالی خود را در این مسیر و دو مجلس آن را بعد از رسیدن به مشهد، به پایان برده است.^۷

سپس گویا در برگشتن، به ری نرفته؛ و بلکه در نیشابور، سکنی گزیده و در آن‌جا به فعالیت‌های حدیثی، پرداخته است؛ چرا که وی املای دو مجلس ۲۵ و ۲۶ را در تاریخ ۱۷ و ۱۸ ذی حجه، در مشهد الرضا به انجام رسانیده است؛ ولی مجلس ۲۷ را ده روز بعد از برگشتن از مشهد در نیشابور به پایان برده و سپس در آن‌جا تا اوایل شعبان سال ۳۶۸ ق ماندگار شده است.^۸

۱. نک: عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۱۲ و ۱۶۶؛ و ج ۲، ص ۲۸۴ و ۲۴۰؛ التوحید، ص ۴۰۶.

۲. نک: عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۴۸.

۳. نک: الأمالی صدوق، ج ۱۲، ص ۲؛ الخصال، ص ۱۱۵، ح ۹۴؛ عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۵۸، ح ۲۱۴؛ و ص

۲۰۴، ح ۲۲. ۴. مصادر پیشین.

۵. التوحید، ص ۷۷، ح ۳۴؛ الخصال، ص ۱۰۶ و ۲۹۵، ح ۶۱.

۶. رجال نجاشی، ص ۳۸۹، ث ۱۰۴۹. ۷. الأمالی، ص ۱۰۳ و ۱۰۶.

۸. نک: مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۵۶.



او سپس به سمت ماوراء النهر، رحل سفر بسته^۱ و در این راه، برای بار سوم، وارد مشهد امام رضا شده و در آن جا مجلس پایانی کتاب امالی را املا فرموده است. تاریخ املاي این مجلس ۱۹ شعبان ۳۶۸ ق می باشد.^۲ او در این سفر سوم، از بلادی همچون: سرخس، مرو، مروود، بلخ، سمرقند، ایلاق،^۳ فرغانه،^۴ اخسیکث،^۵ جبل بوتک^۶ و... عبور نموده است، که در مقدمه کتاب معروف خود الفقیه به این سفرهای خود، تصریح نموده است.^۷ در این سفرها بوده که صدوق، محمد بن حسن علوی معروف به «نعمت» را دیدار نموده و در واقع، «نعمت» از وی خواسته تا کتابی را در فقه بنگارد؛ و حاصل این درخواست، کتاب الفقیه شده است.^۸

◀ آوازه علم و فضل شیخ صدوق

او از محدثان به نام مکتب امامیه است که شهرت و آوازه فضل و علم و کمالش، مرزها را در نور دیده و از حدود و تعصبات بین مکتبی فراتر رفته و خواص و عوام و نیز خاص و عام را به اعتراف در آورده است.

در وثاقت و عدالت و حسن روایت او، خدشه ای ابراز نشده؛ و به گفته سید ابن طاووس^۹ درباره عدالت وی، گویا یک اتفاق نظر جدی وجود دارد؛ و لقب «صدوق» نیز به همین خاطر، به وی اعطا شده است.

او در بسیاری از بلاد اسلامی، آوازه تدریس و نشر حدیث داشته و در شهرهایی همچون قم، ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بغداد و... کرسی تدریس و نشر برپا نموده؛ و بسیاری از عالمان و محدثان، ضمن استفاده از معارف وی، به حل سؤالات و مشکلات دینی خود از محضر وی پرداخته اند؛ و در مواردی نیز از طریق نامه و مانند آن، شیخ^{۱۰} جوابگوی پاسخ مسلمانان عصر خود بوده است. این مراسلات، به عنوان

۱. نک: الامالی، ص ۵۲۱، مجلس ۹۴. ۲. نک: همان، ص ۵۳۶، مجلس ۹۷.

۳. مدینه ای از بلاد شاش، متصل به بلاد ترک در ۱۰ فرسخی از شاش. نک: معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۹۱.

۴. مدینه و کوره ای وسیع در ماوراء النهر، متصل به بلاد ترکستان که بین آن و سمرقند، پنجاه فرسخ بوده است. نک: همان، ج ۴، ص ۲۵۳.

۵. نام مدینه ای در ماوراء النهر و قصبه ای در ناحیه فرغانه. نک: همان، ج ۱، ص ۱۲۱.

۶. جز سرزمین های فرغانه. نک: کمال الدین، ص ۴۷۳.

۷. الفقیه، ج ۱، ص ۳، خطبه کتاب. ۸. همان.

۹. نک: فرج المهموم، ص ۱۲۹.

اثری در زمره آثار وی، در منابع قدیمی، معرفی شده، اما متأسفانه در طول تاریخ، از بین رفته است.

وی همچنین در بلاد مختلف اسلامی، به مناظره با علمای فرق مختلف پرداخته و به گفته برخی محققان «شیخ جعفر دوریستی» مجموعه مناظرات او را در کتابی مستقل، گردآورده بوده است؛ و نجاشی نیز همچنین اثری را برای او برشمرده است.^۱ از مشهورترین مناظرات وی می‌توان مناظره او را در مجلس رکن الدوله با وی نام برد که بسیار طولانی بوده و مطالب پرعمقی در متن آن نهفته شده و نشان از تبخر و اثر شیخ صدوق رحمه الله در ابعاد مختلف علوم اسلامی و نیز نشان از حسن اسلوب و ذوق سلیم و ذکاوت کم‌نظیر او دارد.

◀ نوشته‌های شیخ صدوق رحمه الله

آثار علمی شیخ صدوق را با استناد به منابع رجال و تراجم قدیمی، تا حدود ۳۰۰ اثر گفته‌اند؛ اما خود وی، در مقدمه کتاب فقه گفته که: آثارش به ۲۴۵ عدد رسیده است. و آنچه از عناوین آثار او در منابع کتاب‌شناسی، قابل استخراج است، حدود ۲۰۳ اثر می‌باشد. به نظر می‌رسد این گفته‌ها هیچ منافاتی با هم ندارند؛ چرا که اولاً: صدوق رحمه الله در کتاب الفقیه، مطلب مذکور را در سال ۳۷۲ ق گفته و تصنیف آن کتاب در فاصله میان سال‌های (۳۶۸ - ۳۷۲ ق) بوده و تاریخ وفات او نیز در سال ۳۸۱ ق می‌باشد؛ بنابراین به احتمال زیاد، او در این فاصله، کتاب‌های دیگری را نیز به رشته تحریر درآورده است.

و ثانیاً: به نظر می‌رسد برخی از شمارندگان و یا ذکرکنندگان آثار وی، به اشتباه، برخی اجزای یک کتاب واحد را به صورت مستقل برشمرده‌اند. و این احتمال، قرائن و شواهدی را نیز دارد که در این مقام کوتاه، فرصت پرداختن به این مطلب، فراهم نمی‌باشد.

و مطلب سوم: از بین رفتن برخی از آثار وی است که این پدیده، در مورد بسیاری از آثار محدثان دیگر این مکتب نیز، به صورت جدی، مطرح است.^۲

۱. نک: رجال نجاشی، ص ۳۹۲، ذیل ش ۱۰۴۹، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۵۶.

۲. نک: کمال‌الدین، ج ۱، ص ۸۷، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۵۶، روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۳۲ - ۱۳۴.



اما آن چه از آثار وی هم اکنون در اختیار پیروان این مکتب قرار دارد و نسخه های آن در کتابخانه های شیعه و غیر آن، گاهی به وفور و در مواردی به ندرت یافت می شود، عبارت اند از: من لا یحضره الفقیه، اکمال الدین و اتمام النعمه، الهدایه، اعتقادات، الخصال، عیون اخبار الرضا علیه السلام، الامالی (المجالس)، معانی الاخبار، علل الشرائع، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، التوحید، المقفّع، مصادقة الإخوان، صفات الشیعه، فضائل الشیعه، فضائل الأشهر الثلاثه، و المواعظ. اما دو نکته مهمی که در تلاش های حدیثی شیخ صدوق رحمه الله لازم است بیشتر به آن توجه شود، عبارت اند از:

۱. با توجه به نوع آثار وی در زمینه حدیث و اخبار معصومین علیهم السلام و ملاحظه عناوین آثارش و به ویژه برخی از آثار او که هم اکنون در اختیار پیروان مکتب قرار گرفته، و نیز مقایسه این میراث گران بها با سایر حدیث نگاری های محدثان اسلامی - چه قبل از شیخ صدوق رحمه الله و چه بعد از او تقریباً تا قرون یازدهم و دوازدهم - و حتی در مقایسه با محدثان اهل سنت، به جرأت می توان شیخ صدوق را از خوش ذوق ترین و با نبوغ ترین حدیث نگاران اسلامی معرفی نمود. با این بیان که: شیخ صدوق رحمه الله کتاب های حدیثی خود را در نظم و نظامی نوین و در قالب عناوینی جذاب و کتاب هایی خاص و بر اساس موضوعات مورد توجه عموم مخاطبان، به رشته تحریر درآورده؛ و از این رو بسیاری از عناوین کتاب های او حتی در زمان حاضر نیز از جذابیت عمومی خاصی برخوردار هستند.
۲. نکته مهم دیگر، آن که: با توجه به نوع آثار باقی مانده از وی، جداً نمی توان شیخ صدوق را تنها به عنوان یک ناقل حدیث، معرفی نمود؛ بلکه حق تأمل در میراث حدیثی او، این نکته را روشن می کند که: شیخ صدوق رحمه الله در زمینه نقد و پردازش حدیث و بازساختن احادیث صحیح از سقیم و نیز شناسایی روایان حدیث و همچنین در نظریه پردازی های علمی در خصوص مباحث مهم اعتقادی، فقهی، اخلاقی و حتی علوم اجتماعی و مانند آن، گام های مهمی برداشته است؛ و نباید به آثار وی تنها به عنوان تدوین نگریست؛ بلکه در متد و طرق حدیثی او و نیز در نحوه گزینش احادیث، نوع اسناد، نحوه رویکرد او به حدیث روایان عامی، نحوه تبویب، و بالآخره برخی بیان های خود در لابلای متون و مانند آن، بایستی نیکو توجه داشت؛ و آن گاه به اندیشه های نهفته او در زمینه های مختلف، به خوبی پی برد.



« وصف صدوق^{علیه السلام} از زبان برخی گوهرشناسان

توصیف عظمت و جلالت محدثی همچون صدوق^{علیه السلام} و بیان ابعاد مختلف شخصیت عظیم آن گران قدر، انصافاً از حدّ و اندازه چندین کتاب حجیم، خارج است؛ ولی در این جا تنها به برخی عبارات مهمّ ارباب فنّ ترجمه و ارزیابان مردان علم و عمل، بسنده می شود.

نجاشی^{علیه السلام} (ت ۴۵۰ ق) رجالی معروف شیعه در کتابش، ضمن معرفّی او، با عبارت «شیخنا و فقیهنا و وجه الطائفة بخراسان» از وی یاد می کند.^۱

و شیخ طوسی^{علیه السلام} (ت ۴۶۰ ق) در رجالش با عبارت های «جلیل القدر، حفظة، بصیر بالفقه والأخبار والرجال و...»^۲ و نیز در فهرستش با عبارت «کان جلیلاً حافظاً للأحادیث، بصیراً بالرجال، ناقدّاً للأخبار، لم یز فی القمّین مثله فی حفظة و کثرة علمه...»^۳ او را می ستاید.

پس از آن دو بزرگوار نیز، سایر راوی شناسان معروف شیعه - همچون: ابن شهر آشوب مازندرانی (ت ۵۸۸ ق)،^۴ ابن ادریس حلّی (ت ۵۹۸ ق)،^۵ ابن طاووس (ت ۶۶۴ ق)،^۶ ابن داود حلّی (ت ۷۰۷ ق)،^۷ علامه حلّی (ت ۷۲۶ ق)،^۸ محقّق اردبیلی (ت ۹۹۳ ق)،^۹ علامه قهپایی (ت ۱۰۲۱ ق)،^{۱۰} میر داماد (ت ۱۰۴۱ ق)،^{۱۱} محقّق تفرشی (ت ۱۰۴۴ ق)،^{۱۲} علامه محمد تقی مجلسی (ت ۱۰۷۰ ق)،^{۱۳} علامه محمد باقر مجلسی (ت ۱۱۱۰ ق)،^{۱۴} علامه سید محمد مهدی بحر العلوم (ت ۱۲۱۲ ق)،^{۱۵} علامه شیخ عبد الله مامقانی (ت ۱۴۵۱ ق)^{۱۶} و... هر کدام، ضمن نقل توصیفات نجاشی و طوسی^{علیه السلام}، شیخ صدوق را از معتبرترین و موثّق ترین و جلیل ترین محدثان شیعه معرفّی نموده و در ستایش او، قلم را عاجز دانسته اند.

جامع ترین توصیفی که در میان قدما از آن ستاره آسمان تحدیث به عمل آمده، فرموده مرحوم شیخ حرّ عاملی^{علیه السلام} در کتاب الفوائد الطوسیّه می باشد که در آن، ضمن پرداختن به

۱. رجال نجاشی، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹.
۲. طوسی، رجال، ص ۴۹۵، ش ۲۵.
۳. معالم العلماء، ص ۱۵۶، ش ۶۹۵.
۴. فرج المهموم، ص ۱۲۹، فلاح السائل، ص ۱۱.
۵. السرائر، ج ۲، ص ۵۲۹.
۶. رجال ابن داود، ص ۱۷۹، ش ۱۴۵۵.
۷. جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۵۴.
۸. شریعة التسمیة، ص ۴۶.
۹. روضة المتّقین، ج ۱۴، ص ۱۵ و ۱۶.
۱۰. رجال السید بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۹۲.
۱۱. طوسی، رجال، ص ۴۹۵، ش ۲۵.
۱۲. معالم العلماء، ص ۱۱۱، ش ۷۶۴.
۱۳. فرج المهموم، ص ۱۲۹، فلاح السائل، ص ۱۱.
۱۴. رجال علامه حلّی، ص ۱۴۷، ش ۴۴.
۱۵. مجمع الرجال، ج ۵، ص ۲۶۹ و ۲۷۰.
۱۶. نقد الرجال، ص ۳۲۲، ش ۵۶۹.
۱۷. نقد الرجال، ص ۳۲۲، ش ۵۶۹.
۱۸. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۵۴، ش ۱۱۱۰۴.

ابعاد مختلف زندگی وی و فضایل کم‌نظیرش در عرصه‌های مختلف علمی، علت عدم تصریح رجالیون قدیم به توثیق صریح وی را مورد بررسی قرار داده و وجوهی برای آن برشمرده است. وی در اثبات توثیق شیخ صدوق علیه السلام در کل، به دوازده وجه مختلف پرداخته و در هر کدام از آنها، شواهد و قرائن معتبری را آورده است. آوردن متن این سخن طولانی از مرحوم شیخ حرّ عاملی، هر چند که بسیار پرفایده و مهم به نظر می‌رسد، اما از حوصله این مقاله بیرون است؛ فلذا از آوردن آن، صرف نظر گردید.^۱

◀ وفات و مدفن شیخ صدوق علیه السلام

سرانجام، شیخ صدوق علیه السلام پس از عمری پرخیر و برکت برای مکتب شیعه، در ری، در سال ۳۸۱ ق در حالی که هفتاد سال از عمر مبارکش می‌گذشت، دارفانی را وداع گفت و در نزدیکی قبر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام به خاک سپرده شد.^۲

در برخی منابع، نقل شده که: در اواخر سال ۱۳۰۹ ق وقتی سیل به قبر شریف وی، وارد شد، تصمیم به نبش قبر و مرمت آن نمودند و با کمال تعجب، پیکر شریف او را سالم یافتند، در حالی که حتی حنای محاسن مبارک و پا‌های او به زردی خود و کفنش همچنان سالم، باقی مانده بود و عنکبوت، بر دور عورت او تور بسته بود.^۳



□

۱. نک: الفوائد الطوسیة، فایده اول، ص ۶-۱۳.

۲. نک: رجال نجاشی، ص ۳۹۲، ش ۱۰۴۹، رجال علامه، ص ۱۱۷، ش ۴۴: تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۵۵: تمة المنتهی، ص ۳۲۱ و ۳۹۲، الفوائد الرضویة، ج ۲، ص ۵۶۳. ۳. نک: تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۵۵.